

روشنی هر نامه نام زنده

پاینده بوده

﴿ای بنده گان﴾ سزاوار اینکه در این بهار جان فزا از باران نیسان یزدانی تازه و خرم شوید * خورشید بزرگی پرتو افکنده * و ابر بخشش سایه گسترده * با بهره کسی که خود را بی بهره نساخت * و دوست را در این جامه بشناخت * بگو ای مردمان چراغ یزدان روشن است آن را ببادهای نافرمانی خاموش منمائید * روز ستایش است باسایش تن و آرایش جان مپردازید * اهریمنان در کمین گاهان ایستاده اند آگاه باشید * و بروشنی نام خداوند یکتا خود را از تیره گیها آزاد نمائید * دوست بین باشید نه خود بین * بگو ای گمراهان پیک راستگو مژده داد که دوست میاید اکنون آمد چرا افسرده اید * آن پاک پوشیده بی پرده آمد چرا پژمرده اید * آغاز و انجام جنبش و آرام آشکار * امروز آغاز در انجام نمودار * و جنبش از آرام پدیدار * این جنبش از گرمی گفتار پروردگار در آفرینش هویدا شد * هر که این گرمی یافت بکوی دوست شتافت * و هر که نیافت بیفسرد افسردنی که هرگز بر نخواست * امروز مرد دانش کسی است که آفرینش او را از بینش باز نداشت * و گفتار او را از کردار دور ننمود * مرده کسیکه از این باد جان بخش در این بامداد دلکش بیدار نشد * و بسته مردی که گشاینده را نشناخت * و در زندان از سرگردان بماند *

﴿ای بنده گان﴾ هر که از این چشمه چشید بزنده گی پاینده رسید * و هر که ننوشید از مرده گان شمرده شد * بگو ای زشت کاران آز شما را از شنیدن آواز بی نیاز دور نمود او را بگذارید تا راز کردار بیابید * و او مانند آفتاب جهان تاب روشن و پدیدار است * بگو ای نادانان گرفتاری ناگهان شما را از پی کوشش نمائید تا بگذرد و بشما آسیب نرساند * اسم بزرگ خداوند که بزرگی آمده بشناسید * اوست داننده و دارنده و نگهبان *